

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال هفدهم، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۷

تاثیر اصلاحات خسرو انوشیروان بر قشر بندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان

دکتر حسین مفتخری،^۱ دکتر علی رجبلو،^۲
شهرزاد ساسان پور^۳

چکیده

خسرو انوشیروان پس از رسیدن به سلطنت در جهت احیای قدرت شاهنشاهی ساسانی به اقدامات و اصلاحاتی دست زد که پیامدها و تأثیرات گوناگونی در پی داشت.

در این مقاله می‌کوشیم تا صرفاً تأثیر این اقدامات و اصلاحات را بر قشر بندی اجتماعی آن عصر بررسی کنیم. این بررسی با رویکرد جامعه شناسی تاریخی «تداومسکاچپول» صورت می‌گیرد و چارچوب نظری بحث را نظریه قشر بندی اجتماعی ماکس وبر تشکیل می‌دهد.

محورهای اساسی مقاله عبارتند از: نظام قشر بندی و تقسیم بندی اقشار اجتماعی عصر ساسانی، عناصر اعتبار - حیثیت و منزلت اقشار اجتماعی عصر مورد نظر، اصلاحات خسرو انوشیروان و تأثیر آن بر قشر بندی اجتماعی عصر ساسانی.

واژه های کلیدی: ساسانیان، خسرو انوشیروان، اصلاحات، ساخت

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم moftakhari@tmu.ir

۲. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه الزهرا (س) ch_rajabloo@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهرا (س) sh_sasanpour@yahoo.com

سیاسی، ساخت اقتصادی، ساخت اجتماعی.

مقدمه

طرح مسأله

قشر بندی اجتماعی در هر جامعه ناظر بر نابرابریهای ساختارمند و سلسله مراتبی آن جامعه می باشد که مبنای برخورداری یا محرومیت گروه های اجتماعی از مزایای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، بنابراین بررسی قشر بندی اجتماعی می تواند زمینه ها و علل بروز بسیاری از تحولات مهم اجتماعی را بر ملا سازد.

بنیانهای قشر بندی اجتماعی ایران در اسطوره ها بر پایه سه قشر اجتماعی روحانیان، جنگاوران و گله داران بود که در عصر ساسانی بر پایه دو ساخت سیاسی - دینی و اقتصادی تمرکز یافت. دو عنصر خون و مالکیت ارکان اصلی جامعه ساسانی را تشکیل می داد. اقشار اجتماعی عصر ساسانی در قالب دو گروه حاکم و غیر حاکم قرار داشتند. سلطنت خسرو انوشیروان از نقاط مهم تاریخ ایران در عصر ساسانیان است، زیرا اصلاحات او بخشی از قشر بندی اجتماعی ایران را متحول کرد. بر این اساس مسأله کلیدی پژوهش حاضر این است که اصلاحات خسرو انوشیروان ساسانی در بنیانها و فرایند قشر بندی اجتماعی ایران چه اثراتی به جای گذاشت؟ آیا اصلاحات انوشیروان در توزیع ثروت در جامعه دگرگونی ایجاد کرد؟ میزان برخورداری افراد و گروه های اجتماعی از امتیازات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... چگونه دچار تغییر شد؟

شیوه پژوهش

در این مقاله تلاش بر آن است تا با استفاده از نظریات جامعه شناسی اقشار نوشته وبر، چالمرزجانسون، و نظریات تغییر اجتماعی پارسونز و گبی روشه تأثیر اصلاحات خسرو انوشیروان ساسانی را با توجه به ساخت اقتصادی - سیاسی و اجتماعی عهد ساسانی با روش جامعه شناسی تاریخی تداسکاچپول مورد بررسی قرار دهیم. شایان ذکر است که ماکس وبر از مشهورترین جامعه شناسان معاصر است که تأثیر سه شاخص اقتصاد (ثروت)، سیاست (نحوه توزیع قدرت) و

اعتبار اجتماعی (شأن، منزلت) را عامل اصلی نابرابریها و قشربندی اجتماعی می‌داند. به عبارتی وی عامل اقتصاد یا مالکیت را منشأ ایجاد طبقات اجتماعی، قدرت نابرابر را عامل تشکیل سلسله مراتب قدرت سیاسی و اعتبار اجتماعی را منشأ سلسله مراتب اقتدار اجتماعی می‌داند. (ویر، ۱۳۸۲: ۲۱۲؛ مندراس و گورویچ، ۲۵۳۶: ۲۷۷) با توجه به نظریات جامعه‌شناسی اقتدار ویر در این مقاله عناصر اعتبار، حیثیت و منزلت اجتماعی اقتدار عصر ساسانی از سه بعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در میان سه قشر بالا، متوسط و پایین به صورت مجمل بررسی شده است.

جانسون از جامعه‌شناسان مکتب کارکردگرایی است که چهار مقوله ساختاری ارزشها، هنجارها، جمع‌ها و نقش‌ها را عوامل سامان‌مندی اجتماعی می‌داند و بویژه بر استمرار نقش‌ها و ساخت‌ها در تداوم حیات اجتماعی تأکید می‌ورزد (منوچهری، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۷) وی در بررسی منابع درونی و بیرونی محیط و ارزش‌ها به تأثیر بدعت‌گذاران و نخبگان داخلی توجه نموده است (کوهن، ۱۳۸۱: ۱۸۳-۱۸۴) و غیر هماهنگ عمل کردن محیط و ارزشها را عامل تغییر اجتماعی در جامعه می‌داند. (همان، ۱۹۱) این مقاله در پی آن است تا با استفاده از نظریه جانسون این موضوع را دریابد که آیا اصلاحات انوشیروان نتیجه عدم تعادل میان محیط و ارزشهای اجتماعی بود یا نه؟ از سوی دیگر چون موضوع، نظام قشربندی و تغییر در حوزه مسائل جامعه‌شناسی و تغییر اجتماعی است، به نظریه «پارسونز» و «گی‌روشه» نظری کوتاه شده است. پارسونز معتقد است اگر تعادل موجود بدون دگرگونی در سیستم اجتماعی جای خود را به تعادل جدید بدهد، دگرگونی در «تعادل» ایجاد می‌شود؛ اما اگر در کل سیستم اجتماعی دگرگونی حاصل شود «تغییر ساختی» ایجاد می‌شود. (روشه، ۱۳۶۶: ۲۲). گی‌روشه ویژگی‌های تغییر ساختی را آن می‌داند که بخشی یا کل یک جامعه را در طول زمان در بر گرفته و به صورت مداوم و استوار در جریان تاریخی یک جامعه تأثیر بگذارد و صرفاً یک پدیده اجتماعی باشد. (همان، ۲۴-۲۵) حال با توجه به نظریات تغییر اجتماعی پارسونز و گی‌روشه در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا دریابیم که اصلاحات انوشیروان به کدام نوع از دگرگونی‌ها (دگرگونی در تعادل و یا دگرگونی ساختی) در نظام قشربندی ایران منجر شد.

در روش جامعه شناسی تدا اسکاچپول، که در قالب «رویکرد قاعده مندی علی» در تاریخ مورد نظر می‌باشد، دو یا چند فرضیه از پیش تعیین می‌شوند و پس از استخراج یا استنتاج شواهد تاریخی بر پایه قاعده مندی علی در خصوص موضوع پژوهش، نظریه به دست می‌آید. به عبارتی در این روش نظریه پس از آزمون فرضیه پدید می‌آید. (Thedaschochpol, 1984: 9.375)

اهمیت و اهداف پژوهش

بررسی دقیق و همه جانبه ساخت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک هر جامعه در طول زمان انجام می‌شود و تأثیر خود را بر روی یک پدیده بخوبی نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر می‌خواهیم از طریق مطالعات بین رشته ای و بهره گیری از روشهای پژوهشی و نظریه های رایج جامعه شناسی تحولات ایجاد شده در قشر بندی اجتماعی ایران را در عصر ساسانیان پس از اصلاحات خسرو انوشیروان با استناد به متغیرهای مستقل ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کنیم که این موضوع علاوه بر آشکار کردن سر منشأهای قشر بندی در ایران، تفاوتها و تشابهات قشر بندی قبل و پس از دوران خسرو انوشیروان را بر ملا خواهد کرد و در نهایت روشن خواهد شد که قشر بندی دوران مورد نظر چگونه دگرگون شده است و یا اینکه جای چه لایه هایی تغییر کرده کدامیک به وجود آمده و کدامیک از بین رفته اند؟.

چنین رویکردی به نتایج زیر منجر خواهد شد:

- ۱- گسترش مطالعات ایران شناسی از منظر تاریخ اجتماعی به عنوان مطالعات بین رشته ای
- ۲- ایجاد الگوی مطالعاتی در زمینه مسائل اجتماعی ایران که می‌تواند زمینه ساز سایر مطالعات باشد.
- ۳- راهگشایی برای مطالعات بین رشته ای از قبیل اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی تاریخی ایران.

پیشینه پژوهش

علاوه بر منابع و کتیبه‌های عصر ساسانی بسیاری از مورخان مسلمان مانند طبری (۱۳۷۸ق)، یعقوبی (۱۴۱۳ق)، مسعودی (۱۴۰۹ق) مورخان معاصر غربی، ایرانی و شرق‌شناسان مانند کریستین سن (۱۳۷۲ و ۱۳۱۴)، نولدکه (۱۳۸۵)، پیکولوسکایا (۱۳۴۹)، لوکونین (۱۳۷۵)، احمد اشرف (۱۳۶۰)، حشمت الله طیبی (۱۳۵۰)، مری بویس (۱۳۶۸) و ... کتب و مقالاتی درباره تاریخ ایران در دوره ساسانیان و یا اقشار اجتماعی ایران در این دوره نوشته اند.

با وجود این موضوع قشربندی اجتماعی در ایران از مسائلی است که کمتر مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفته است. در برخی کتاب‌ها مانند «نظریه‌ها و قشربندی اجتماعی و ساختاری تاریخی آن در ایران» تألیف ابراهیم انصاری^۱ اشارات کلی در این مورد یافت می‌شود، اما مطالب آن با رویکرد تاریخی بررسی نشده است. این کتاب انتظار خواننده را درباره نحوه شکل‌گیری، تحول و تغییر اجتماعی برآورده نمی‌کند. کتاب تاریخ اجتماعی مرتضی راوندی^۲، مبانی تاریخ اجتماعی ایران تألیف رضا شعبانی^۳، کتاب تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان تألیف امیر اکبری^۴ نیز به رشته تحریر درآمده‌اند^۵ اما کتاب و یا مقاله جداگانه‌ای درباره تأثیر اصطلاحات انوشیروان بر قشربندی اجتماعی ایران به صورت جداگانه نگاشته نشده است. بنابراین بررسی این موضوع با رویکردی جامعه‌شناسانه تاریخی خالی از فایده نخواهد بود.

فرضیه

فرضیه اصلی: اصلاحات خسرو انوشیروان به علت محدود بودن در حوزه سیاسی در لایه‌های زیرین اجتماعی نفوذ نکرد از این جهت ساختار کلی نظام قشربندی ثابت ماند، و صرفاً سلسله مراتب درونی قشر بالای جامعه را تغییر داد.

۱. ابراهیم انصاری، (۱۳۷۸) نظریه‌ها و قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، اصفهان: دانشگاه اصفهان

۲. مرتضی راوندی. (۱۳۸۴) تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر

۳. رضا شعبانی. (۱۳۶۹) مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: قومس

۴. امیراکبری. (۱۳۸۲) تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد بجنورد و انتشارات محقق.

فرضیه رقیب: اصلاحات خسرو انوشیروان کل نظام قشر بندی ایران عصر ساسانی را متحول کرد. اصلاحات خسرو انوشیروان هیچگونه تغییر و تحولی در نظام قشر بندی ایران در عصر ساسانی ایجاد نکرد.

۱- نظام قشر بندی ایران در عصر ساسانی

درباره نظام قشر بندی ایران در زمان ساسانیان نظریات گوناگونی ارائه شده است. (J. D. Pearson, 1975: 117/2) با وجود این موضوع هنوز جای بحث بسیار دارد، زیرا توافق نهایی درباره آن میان مورخان و محققان وجود ندارد؛ زیرا پاره‌ای از آنان با توجه به مناسبات تولیدی عصر ساسانی آن را در ردیف نظام برده داری محسوب کرده اند. (بیگولوسکایا، ۱۳۴۹، ۶۸-۱/۹۳) همانگونه که کاتوزیان این نظریه را رد کرده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ۵۴-۵۵). با توجه به اینکه ناشهرندان (بردگان) عصر ساسانی با توافق مالک می توانستند بخشی از خود را و یا تماماً آزاد کنند و به رعایای شاهنشاه تبدیل شوند این نظریه متفی است (76-72: 1979 "Matikanhazardatastan"). پاره ای دیگر نظام قشر بندی عصر ساسانی را در ردیف نظام کاستی - طبقه ای محسوب کرده اند. اما با توجه به ویژگی نظام طبقه ای (اهمیت تفاوت‌های اقتصادی میان مردم، نابرابری در دستمزد، شرایط کار، مالکیت ثروت، شغل، ... و نیز محدود بودن نقش عوامل سنی، نژادی، قومیت، پیشینه خانوادگی و ...) (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۲۱-۲۲۲) این نظام کاملاً مطابق با عصر ساسانی نیست.

پاره ای از مورخان شوروی سابق، شرق شناس، مورخان غربی^۱ و حتی ایرانی^۲ با وجود آنکه دیدگاه های متفاوتی در زمینه مسائل تاریخی دارند و باید جداگانه دسته بندی شوند، اما به صورت هماهنگ و واحد نظام حاکم بر ایران عصر ساسانی را فئودالیته می دانند (Pearson, 1975: 117) اما نظام فئودالیته، مخصوص جوامع اروپایی قرون وسطی است. به دلایلی از جمله اتکای اشراف زمیندار به پشتیبانی دولت، گسترده گی املاک شاه نسبت به اشراف، نظارت مستقیم شاه و دربار بر دهقانان و دبیران، عدم تضاد میان تولیدات شهری و روستایی و.. نمی توان این نظریه را پذیرفت. دکتر کاتوزیان به رد این

۱. مانند استروه و کریستین سن

۲. مانند تورج دریائی (دریائی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۴) مرشنگ ماهرویان (ماهرویان، ۱۳۸۱: ۱۴۸)

نظریه پرداخته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۶-۵۹) اما با توجه به برخی از ویژگی های فنودالیسم شرقی^۱ به نظر می رسد در هنگام ضعف شاهان ساسانی تا حدی نظام فنودالی^۲ و در هنگام سلطنت شاهان مقتدر و گسترش دیوان سالاری نظام پاتریمونالیسم بر ایران حکمفرما^۳ بود و اما بر اساس منابعی مانند نامه تنسر ملاک های تقسیم بندی اقشار ساسانی دو عنصر مالکیت و نسبت بود که جامعه طبق آن به چهار قشر روحانیان، نظامیان، دیران و عامه تقسیم می شد^۴. اهتمام اشراف جهت انتساب به خاندان های کهن و همبستگی میان خون، نسب و شغل (خویشکاری) که از خصایص عالم روحانی نیز بود، (ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۱۱-۲۱) و نیز ازدواج با محارم (خویدوده)^۵ که به پایداری دودمان می انجامید، (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۸۸) و باعث رستگاری می شد (شایست نی شایست، ۱۳۶۹: ۲۳۳-۲۳۶) و همچنین داشتن قدرت سیاسی از مهمترین عوامل و ملاکهای قشربندی اجتماعی عهد ساسانی است که بر اساس آن جامعه به دو قشر حاکم و غیر حاکم تقسیم می شد. لذا عواملی از جمله اقتدار سیاسی (قدرت)، اقتدار اقتصادی (مالکیت) و شأن اجتماعی (خون و نسب) معیارهای اصلی قشر بندی عصر ساسانی می باشند.

مهمترین ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه ایران عصر ساسانی آمیختگی دین و دولت (مسکویه، ۱۳۶۶: ۱/۱۲۴) جنبه ظل الهی و فره ایزدی حکومت شاه (احسان یارشاطر، ۱۳۷۷: ۹۰-۹۱/۳/۲)، تأکید بر پاکی خون و نژاد (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۶۴-۶۵)، تأکید آیین زرتشتی بر حفظ نظام قشر بندی (همان، ۶۶) عدم تحرک اجتماعی (مسکویه، ۱۳۶۶: ۱/۱۳۲) موروثی بودن مشاغل و ... بود که تا پایان عصر ساسانی بر جامعه ایران حکمفرما بود و به نابرابریهای اجتماعی در جامعه دامن می زد.

۱. مانند تمرکز شدید، وجود اراضی دیوانی و دولتی، اخذ مالیاتهای شدید و عدم رشد بورژوازی

۲. کاتوزیان ضمن رد این نظریه علت اصلی پا نگرفتن آن را در ایران ناشی از ساختارهای جامعه شناختی می داند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۶۳)

۳. ماکس وبر به وجود نظام پاتریمونالیسم و حکومت استبدادی در جوامع شرقی معتقد است. (وبر، ۱۳۷۴: ۳۸۶)

۴. کریستین سن، با توجه به این دو عنصر جامعه عصر ساسانی را به دو گروه خواص (اشراف، روحانیان، نظامیان، دیران) و عوام (کشاورزان، دامداران، پیشه وران، بازرگانان) و توده مردم تقسیم کرده است.

۵. در زبان اوستایی خوانت و دته XVaetvada

۲) تقسیم بندی اقشار اجتماعی ایران در عصر ساسانی

با توجه به متون مذهبی هندی، ودایی، آریایی جامعه ایران باستان به سه قشر روحانیان، نظامیان، کشاورزان و پیشه وران تقسیم می شود. (وندیداد، ۱۳۷۶: ۶۳۲-۶۲۹/۲) که در روایات زرتشتی^۱ (بند هش، ۱۳۶۹: ۱۵۲) و متون تهیه شده پس از سقوط سلسله ساسانی بر آن تأکید شده است. (همان، ۹۱-۹۲) اما بتدریج از قشر چهارم تحت عنوان هوئی (huitt) یا دست ورزان یاد شده است. (یسنای، ۱۳۸۰: ۱/۷۹) در نتیجه تقسیم اقشاربندی اجتماعی ایران بر اساس متون زرتشتی بنیادی مذهبی داشت.

بر اساس کتیبه ها و نقش برجسته های عصر ساسانی مانند کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت^۲ (۸۴۹-۸۲۳: ۱۹۳۹: Hening) کتیبه شاپور اول در غار حاجی آباد^۳ (۱۲۳-۱/۱۲۲، ۱۹۶۴: Nyberg) کتیبه های کرتیر در کعبه زرتشت و نقش رجب^۴ (Gignoux, 1991) کتیبه نرسی در پایکولی^۵ (Herzfeld, 1929) و نقش برجسته های طاق بستان اطلاعات با ارزشی از اقشار اجتماعی، مشاغل و مناصب درباری و گروه های شغلی عصر ساسانی به دست می آید.

در روایات منتسب به شاهان ساسانی اقشار چهارگانه شامل اصحاب دین (روحانیان)، اهل جنگ (مقاتل)، اهل تدبیر (کتاب و دبیران) و مهنه (راعیان و برزگران) ذکر شده اند. (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۶۲-۶۳؛ نامه تنسر به گشسب، ۵۷؛ کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹: ۳۸)

۱. براساس روایات زرتشتی پسران زرتشت به ترتیب ایستواستر «موبد»، لورت نر «برزگر» و و روچهر «نظامی» بودند که با آتشکده های سه گانه آذر فرسینج، آذر برزین مهر، آذر گشسب ارتباط داشتند (گزیده سرودهای ریگ ودا، ۱/۱۳۴۸: یسنای، ۱۳۸۰: ۲؛ گات ۵۰، ۱۳۷۸: Mansor Shaki, 1992: v, 654)

۲. در کتیبه شاپور در کعبه زرتشت (۲۶۰م) فهرست اعضای خاندان شاهی، شاهزادگان ایالات، خاندانهای بزرگ مانند قارن، سورن، وراز و برخی مناصب نظامی، اداری، مذهبی اشاره شده است.

۳. در این کتیبه خاندانهای اشرافی از جمله شهر داران، واسپوهران، وزرکان و آزادان ذکر شده اند.

۴. در دو کتیبه کرتیر موبد مشهور عهد بهرام دوم اشاره به مبارزات دینی وی علیه یهودیان، مسیحیان، اقتدار موبدان آتشکده ها و موفقات آن شده است.

۵. در کتیبه نرسی در پایکولی (واقع در مرز عراق) علاوه بر فهرست حامیان نرسی در امر سلطنت به آزادان، که خدایان و بزرگان اشاره شده است.

همچنین در روایات مندرج در کتب تاریخی بعد از اسلام برخی از مورخان به اقشار هفتگانه ایجاد شده توسط اردشیر ساسانی^۱ (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۶۷-۱/۲۶۸) و در پاره ای دیگر به مناصب سه گانه قشر بالا^۲ (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۸۰) و برخی دیگر به گروه های شغلی^۳ (یعقوبی، ۱۴۱۳/۱: ۱۹۹۳) و عده ای دیگر از تقسیم بندی چهارگانه دیگری در این عصر یاد کرده اند.^۴ (جاحظ، ۱۳۴۳: ۶۸) اما در شاهنامه فردوسی متأثر از متون پهلوی و خداینامه ها پیدایش اقشار چهار گانه به جمشید پیشدادی نسبت داده شده است. (فردوسی، ۱۳۶۹: ۲۵-۱/۲۶)

ساختار اجتماعی ایران بتدریج در روزگار ساسانیان نظم و تکامل یافت. در طول حکومت ساسانیان تحولات در ساخت سیاسی، اجتماعی و اداری به دگرگونی و تحول در روابط اقشار اجتماعی منجر شد. تا قبل از قرن ششم میلادی بر اساس متون سنتی و مذهبی سه قشر روحانیان، جنگیان و کشاورزان از سوی دولت و نهاد مذهبی رسمیت یافتند. (وندیداد، ۱۳۷۶: ۶۲۷-۲/۶۲۹؛ بند هش، ۱۳۶۹: ۶۵). در قرن ششم میلادی این تقسیم بندی متحول شد و دبیران به عنوان قشر سوم و برزگران و پیشه وران در ردیف قشر چهارم درآمدند (نامه تنسر، ۱۳۴۵، ۵۷) زیرا از آن پس امور دیوانی و غیر مذهبی که قبلا در اختیار روحانیان بود به دبیران سپرده شد. و امور تجاری و پیشه وری که وظیفه کشاورزان تلقی می شد از یکدیگر منفک شد. این تقسیم بندی مطابق با اوضاع سیاسی تدوین گردید. (کریستن سن، ۱۳۱۴، ۲۲-۳۰) دقیقا نمی توان گفت از چه زمانی تقسیم اقشار عصر ساسانی به اوج خود رسید، شاید بتوان گفت در پایانه دهه سوم میلادی این سامان و صلابت طبقاتی شروع به شکل گیری نمود. (تورج دریائی، ۱۳۸۳، ۱۳۸-۱۴۳). مورخان جدید علاوه بر خاندان شاهی و گروه های اشرافی، اقشار اجتماعی عصر ساسانی را عبارت از روحانیان،

۱. شامل وزیران، موبدان موبد، اسپهبدان، اهل تدبیر، نغمه گران، مطربان و موسیقیدانان است.

۲. از جمله مقام های هیربدان، ارتشتاران سالار، واستر یوشان سالار که به سه پسر مهر نرسی وزیر بهرام گور اعطا شد، می باشد.

۳. از جمله بزرگفرمذار، موبد موبدان، هیربدان، دبیربذ، سپهبد، فادوسیان و است. (Mansor Shaki, 1992: 655)

۴. ابتدا شاهزادگان و سوارکاران، دوم موبدان و مغان، سوم، پزشکان، دبیران، اختر شناسان، چهارم، دهقانان و پیشه وران ذکر شده اند.

رزمان، دبیران، کشاورزان گله دار، صنعتگران، بازرگانان، وناشهروندان می‌دانند. (بارشاطر، ۱/۶- ۳/۲/۲۱) شایان ذکر است که هریک از اقشار چهار گانه در درون خود خرده تقسیماتی داشتند و از طریق روسای خود با دولت و حکومت مرتبط می شدند. (المسعودی، بی تا، ۹۱) قشر ممتاز جامعه که از حامیان اصلی حکومت ساسانی بودند با شاه و اشراف منافع مشترک داشتند.

الف) اقشار بالا و ممتاز جامعه

اشراف

برترین قشر عصر ساسانی اشراف بودند که علاوه بر داشتن اصالت و نسب بالا با تصاحب املاک فراوان و مهمترین مناصب لشکری و کشوری و برخورداری از بهترین نوع تحصیلات و سبک زندگی دارای اقتدار سیاسی- اقتصادی و اجتماعی بودند و خود به ترتیب به پنج دسته تقسیم می شدند. ۱- شهرداران. اولین گروه اشراف و شاهان کوچک محلی ایالات و ولایات مرزی و از نزدیکان شاه بودند. (کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۲۱-۱۲۳. H.Hambach and Skjaero, 1983: III/2,46)

۲- واسپوهران یا اهل البیوتات اعضای هفت خاندان بزرگ (ساسان، کارن، اسپهبد، اسپندیاد، مهران و زیک) شامل شاهزادگان، اعضای خاندان ساسانی و نوادگان غیر مستقیم شاه و غالباً بازمانده عصر اشکانی بودند. (کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت ستون ۲۹ و ۳۱: 1939 W.B.Hening؛ ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۴۲؛ نولدکه، ۴۶۵-۶۵۹. کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۲۵؛ Hambach and Skjaero, 1983: III/2,46)

۳- وزرگان - نژادگان و یا العظما (پیگولوسکایا، ۱۳۴۹: ۱/۸۸) فرمانروایان نیمه مستقل استان های کوچک و روسای ادارات دولتی بودند (کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت ستون ۳۱: Hening ۱۹۳۹ ستون ۱۸ و ۳۰: Herzfeld, 1929, III/2,46 Hambach and Skjaero, 1983)

۴- آزادان و یا «الاحرار» و یا الاشراف شامل اشراف و زمینداران متوسط ولایات بودند که هسته اصلی سواره نظام ساسانی را تشکیل می دادند (کتیبه نرسی در پایکولی، ستون های ۳ و ۳۰: Herzfeld, ۱۹۲۹؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۱۷۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/۲۶۷ Hambach and Skjaero, 1983: 3/2,46)

۵- دهقانان یا کذک خدایان در پایین ترین سلسله مراتب اشراف قرار داشتند. ستون های ۷ و ۱۶: Mansour Shaki, 1992, v.655. Herzfel, 1992؛ وندیداد، ۱۳۷۶: ۶۲۷-۲/۶۲۹) و در واقع مالک واقعی روستاها بودند که به اتکای قدرت موروثی خود امور محلی را اداره می کردند. (ثعالی، ۱۳۶۸: ۳۸؛ کریستن، ۱۳۷۲) و به نوعی واسطه میان مردم و دربار بودند که با توجه به نسب به دو گروه کوچک و بزرگ تقسیم می شدند. (رضا، ۱۳۶۵: ۱۸)

روحانیان

دومین قشر ممتاز جامعه ساسانی روحانیان زرتشتی و موبدان بودند که به هنگام تأسیس دولت ساسانی به همراه خاندان های اشرافی شرکت داشتند و از این جهت اتحاد میان دین و دولت (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۱۰-۱۱) انگیزه ای بود که به موبدان در دستگاه ساسانی قدرت فراوان می بخشید، اما این قدرت فراز و نشیب هایی داشت. از دوران شاپور دوم (۳۱۰م) تا دوران سلطنت قباد (۴۸۸-۵۳۱م) قدرت موبدان تا آن حد افزایش یافت (دینکرد، ۱۳۸۱: ۱/۷۲) که قباد برای کاهش اقتدار اشراف و موبدانی مانند سوخرا به آیین مزدکی گرایش یافت. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۹۲) اما با اصلاحات انوشیروان بار دیگر قدرت آنان کاهش یافت. روحانیان برحسب مرتبه و وظیفه ای که داشتند به گروه هایی تقسیم می شدند.

نظامیان

نظامیان نیز از اقشار ممتاز و غالباً اشرافی عصر ساسانی بودند و حافظان و پاسداران مملکت محسوب می شدند. (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ۱/۵۲) اردشیر بابکان سواره نظام را به همراه شاهزادگان در ردیف قشر اول جامعه قرار دارد. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۳۰) و سپس چهار اسپهبد را در تشکیلات نظامی برای ولایات خراسان، غرب، جنوب و شمال منصوب کرد که همه زیر نظر منصب ایران سپاهبذ قرار داشتند. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/۲۹۶). مرزبانان چهار بخش ولایت خراسان

۱. از جمله موبدان (رئیس کل امور مذهبی) هیریدان (آموزگاران روحانی)، وردبذ (روحانیان درجه دوم)، داذوران داذور (قاضی القضاة)، داذوران (قاضی)، آتش آمار دبیر، مغان، آذربذ (خادمان آتش). وندیداد، ۱۳۷۶: ۶۱۲-۶۱۳، ۲/؛ ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۴۲؛ مسعودی، بی تا: ۹۰-۹۱/۱؛ خوارزمی، ۱۴۰۴: ۱۳۸-۱۳۹. ستون ۳۳، ۳۵: Hening ۱۹۳۹؛ ستون ۵ و ۲: ۱۹۹۸

(عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۱۲؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۷۷) پای گوسبانان (فرماندهان نظامی ایالات) (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۶۹) شهر یجها (حکام بخشها) از دیگر فرماندهان و سرداران عالیرتبه بودند. (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۷۷). ارتش ساسانی شامل سه بخش سواره نظام (از آزادان و بزرگان)، پیاده نظام (توده مردم) و فیل سواران بود. (مارکوارت، ۱۳۷۲: ۲۳۱) مناصب نظامی نیز دارای سلسله مراتب خاصی بود.^۱

دبیران و دیوانیان

دبیران یا زینت دهندگان مملکت در عصر ساسانی (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۹۱؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۱۶۱) از قرن ششم میلادی به عنوان قشر جدید و در ردیف سوم جامعه عصر ساسانی قرار گرفتند، که علاوه بر تحصیلات عالی و تجربیات لازم به خاندان های سرشناس تعلق داشتند. آنان در ابتدای عصر ساسانی جایگاه والایی داشتند.^۲ اما در دوران حکومت شاپور اول تانرسی با قدرت یابی کرتیر اقتدار دبیران کاهش یافت. در دوران حکومت شاپور دوم با توجه به گسترش تقسیم کار، رشد شهرها، تجارت و... .. قدرت دبیران در مقابل اشراف زمیندار افزایش یافت. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۷۴؛ نولدکه، ۱۳۸۵: ۴۱)

دبیران دارای سلسله مراتبی بودند. در رأس دیوانیان وزر گفرمذار (وزیر بزرگ) قرار داشت (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۲۱۹؛ مسعودی، بی تا: ۹۱) که در غیاب شاه جانشین او «بیتخش» (Hambach and Skjaero, 1983: 3/2,40-43) و یا نایب السلطنه او می توانست فرمانده ارتش یا سفیر مذاکرات سیاسی با کشورهای بیگانه باشد. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۷۹) برخی از آنان وظیفه جاسوسی را

۱. از جمله ارتشداران سالار (فرمانده جنگجویان)، (ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۵۹) سپاهبذ (فرمانده سپاه)، (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۸۰) ارگبذ، پشتیک بان سالار، اسواران سردار، هزاربذ، پایگان سالار و تیربذ (نک به: کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت ستون ۲۹ و ۳۱. Hening ۱۹۳۹: 3/2,46; Hambach and Skjaero, 1983)

۲. چنانکه در کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت از بزرگفرمذار، دبیربذ، مرد سالار دبیران، هرمز دبیرسالاران، اشتاددبیر و... سخن به میان آمده است. (نک همان کتیبه ستونهای، ۲۴-۲۵ و ۳۱)

بر عهده داشتند. (پروکوپوس، ۱۳۳۸: ۱۹۲) آنان علاوه بر مناصب اداری^۱ دارای برخی مناصب نظامی نیز بودند.

پزشکان با داشتن تحصیلات عالی (منظومه درخت آسوریک، ۱۳۴۶: ۴۹) منجمان و اخترشناسان جهت تفسیر خواب شاهان و پیشگویی آینده (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹: ۲۵) و یاجهت مشاوره (همان، ۳۷) خنیاگران و نوازندگان که در عصر اردشیر ساسانی مقام متوسطی داشتند اما در زمان بهرام گور مرتبه آنان ارتقا یافت نیز در ردیف قشر دبیران بودند. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۸ - ۱/۲۶۹)

ب) اقشار متوسط

درباره قشر متوسط جامعه ساسانی، اطلاعات چندانی در دست نمی باشد. اما احتمالاً شامل مقامات دولتی پایین تر و در سطوح محلی و بخشی از جمعیت شهری مانند پیشه وران، صنعتگران، کاسبکاران، خرده فروشان و عمده فروشان بودند. (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۹۱)

بازرگانان

از اقشار متوسط شهری عهد ساسانی بودند که مانند پیشه وران پس از روحانیان، نظامیان و دبیران، چهارمین قشر را در سلسله مراتب اقشار اجتماعی تشکیل می دادند، و موظف به پرداخت مالیات سرانه بودند. (طبری، ۱۳۷۸: ۱۵۱/۲)

پیشه وران

آنان نیز با عنوان «هویتی» در کنار کشاورزان و شبانان جزء قشر چهارم جامعه بودند. (ارداوایرافنامه، ۱۳۸۲: ۶۰؛ نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۷۵؛ طبری، ۱۳۷۸: ۱۷۵/۱). گسترش و رشد شهرنشینی و ایجاد شهرهای جدید، علاقه شاهان ساسانی به ایجاد صنایع جدید و در نتیجه گسترش صنایع و تجارت (رضا، ۱۳۴۹: ۱۶) و به موازات آن پیچیدگی و تنوع نیازهای اقشار شهری، نه تنها

۱. در راس دبیران و خزانه دربار، ایران دبیرند قرار داشت (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۷۷/۱) قشر دبیران به کتاب، رسائل، محاسبات، افضیه، سجلات، شروط، سیر، اطباء، شعرا، منجمان و... تقسیم می شدند. (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۱۲) و دارای پاره ای از مناصب اداری مانند ایران آمار کار، گنج آمار دبیر، شهرپو آمار کار و... بودند. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۳۱)

شهرها را به مراکز صنعتی و تجاری تبدیل نمود، بلکه مشاغل جدیدی ایجاد کرد. پیشه وران به دو بخش شهری و روستایی تقسیم می شدند که بخش شهری نیاز طبقات مرفه و شهرنشینان را برآورده می کرد و بخش روستایی علاوه بر خدمت در املاک بزرگ کشاورزان و رفع نیاز روستاییان، در املاک بزرگ به ایجاد کارگاه های نساجی، آهنگری و... دست زدند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۴۱۱)

هر چند با افزایش تجارت و شهرنشینی بر تعداد پیشه وران و اصناف شهری افزوده شد، آنان نتوانستند مستقل از قشر چهارم جامعه باشند؛ اما در میان قشر چهارم نقش فعال تری ایفا می کردند. (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۸۰-۸۱) این قشر از پرداخت مالیات سرانه و انجام خدمات نظامی معاف بودند اما به هنگام جنگ های دفاعی و یا محاصره شهرها در صورتی که غنایم و اسرای جنگی نصیب سپاهان نمی شد، ملزم به پرداخت باج و خراج بود. (همان، ۳۵۰-۳۵۴) آنان اجازه تغییر شغل خود را نداشتند اما برخی پیشه ها در یک خاندان موروثی بودند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۴۱۱) از سوی دیگر، آنها نمی توانستند با دختران قشر بالای جامعه ازدواج نموده و به قشر بالای جامعه راه یابند.^۱

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ج) اقشار فرودست کشاورزان

در ادبیات دینی پهلوی، مهنه و محترفه (کشاورزان، شبانان، پیشه وران، بازرگانان) چهارمین قشر اجتماعی محسوب شده اند (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۵۷) که به همراه عوام الناس و بردگان قشر فرو دست جامعه را تشکیل می دادند. آنان به همراه روحانیان و جنگجویان بزرگترین حامیان مزدیسنا هستند. (یسنا، ۱۳۴۰: ۱/۱۷۹) کشاورزان بزرگترین قشر مولد جامعه ساسانی بودند که به همراه روستاییان به دو گروه تقسیم می شدند. اول کشاورزان وابسته به زمین (اکراه) که در املاک اجاره ای شاهان وزمینداران بزرگ کار می کردند. دوم کشاورزان مستقل و آزاد یا مزارعون. (کلیما،

۱. مانند زن خواستن کفشگری از قشر بالای جامعه در دوران بهرام گور (فردوسی، ۱۳۶۹: ۱۶۱۰ - ۱۶۱۱ / ۳)

۱۳۵۹: ۳۰۷؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۹۰؛ ۶۵۶، ۷، ۱۹۹۲، V، Shaki) طرح شعارهای عدالت طلبانه مزدک باعث شد تا کشاورزان ناراضی از سیستم مالیات اراضی به او بپیوندند.

دامداران و شبانان

آنان به همراه کشاورزان در متون مذهبی زرتشتی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. عنوان «برزبرگر گله دار» نشانی از آمیختگی اقتصاد کشاورزی و شبانی در بخشی از تاریخ ایران باستان است. (وندیداد، ۱۳۷۶: ۲/۶۲۷) در آیین زرتشتی آنان مراقب چهارپا و گوسفند در گیتی بودند. (ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۱) این موضوع آنقدر اهمیت داشت که بخش هایی از اوستا به احوال شبانان و سگان گله اختصاص یافته است. (همان، ۷۰-۷۶، وندیداد، ۱۳۷۶: ۶۳۸-۶۳۹/۲ و ۱۳۴۰-۳/۱۳۴۲)

وجود مناصبی مانند آخور سالار و آخور آمار دبیر (خوارزمی، ۱۴۰۴: ۳۹۰) پیشه شبانی ساسان که با دختر فرمانروای پارس ازدواج نمود (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹: ۱)، دلیل دیگری از اهمیت این قشر نزد ساسانیان است.

عشایر و چادر نشینان

از این قشر اطلاعات اندکی در دست است که شاید اسکان تدریجی آنان دلیل این موضوع بوده باشد، اما مهمترین عشایری که ساسانیان و حتی در دوران اسلامی از میان آنان سر باز گیری می کردند، کردها، دیلمیان، گیلانیان و کرمانیان بودند. (همان، ۴۸؛ دریائی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۳)

عوام الناس

بزرگترین اقشار عصر ساسانی را عوام الناس و تهیدستان تشکیل می دادند. میان دو قشر تنگدست نیازمند یعنی درویشان و فقرای فرومایه (اشکوهان) تمایزی وجود داشت؛ زیرا در آیین زرتشتی «اشکوهان» حقیر محسوب شده اند اما دستگیری از درویشان توصیه شده است. (ارداویرافنامه، ۱۳۸۲: ۴۶ و ۸۴ و ۹۲) اشکوهان به ربودن و دزدی اموال از ثروتمندان و تقسیم آن میان نیازمندان اعتقاد داشتند و از این جهت روحانیان و دولت دیدی منفی نسبت به آنان داشتند. گروه دیگر «مردی جوان»^۱ (وندیدا، ۱۳۷۶: ۱۲۸۶/۳) یا جوانمردان عصر اسلامی بودند که آنان

نیز دزدی از ثروتمندان و کمک به تهیدستان را ستوده می دانستند. (دریائی، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ Shaki, 1992: V, 656)

د) ناشهروندان (اسیران و بندگان)

کوچ و اسکان اسرای جنگی در ایران از عصر هخامنشی آغاز و تا پایان دوران ساسانی ادامه یافت. ناشهروندان یا آنته‌ریکان عصر اشکانی در عصر ساسانی «بنده یا بندک» نامیده می شدند. (کلیما، ۱۳۵۹: ۲۹؛ پیگو لوسکا، ۱۳۷۷: ۴۲-۴۳) اسکان اسرای رومی در عصر شاپور اول در جندی شاپور و اسکان اسرای آمد، توسط شاپور دوم در شوش و شوشتر منجر به برپایی و پیشرفت صنایع بافندگی، ساختمانی و... شد. (کریستین سن، ۱۳۱۴: ۷۰-۷۱) ناشهروندان و اسیران بر اساس وظیفه، جنسیت و تبار تقسیم می شدند. برخی در خانه ها یا آتشکده ها و برخی در صنایع، خدمات نظامی و غالباً در خدمات کشاورزی به کار گرفته می شدند. (پارشاطر، ۱۳۷۷: ۴۲)

اصلی ترین گروه اسیران و بندگان «تن یا جسم» نام داشتند که پس از مرگ ارباب با توافق ارباب جدید آزاد می شدند. آنان در قبال کارشان دستمزد می گرفتند و حق تشکیل خانواده را داشتند. (Shaki, 1992: V, 657) برخی از بندگان در زمره هدایای شاهان بیگانه به شاهان ایران (طبری، ۱۳۷۸: ۱۷۶ و ۲/۱۷۹) و آتکشده ها (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۲) محسوب می شدند. بیگاری و بندگی بدهکاران برای پرداخت بدهی و فروش کودکان توسط پدران (اینوستراتسف، ۱۳۴۸: ۸۴-۸۵) بیگاری افراد مجرم و آنان که وقف معابد بودند ملاک های بندگی در جامعه عصر ساسانی بود. (فشامی، ۱۳۵۴: ۴۳)

۳) بررسی عناصر اعتبار، حیثیت و منزلت اقبشار اجتماعی

الف) اقبشار ممتاز

اعتبار و منزلت سیاسی

از میان گروه های اشراف، واسپوهران مناصب مهمی مانند تاج نهادن بر سر شاه را به صورت موروثی، نظارت بر امور لشکری و کشوری مانند، اربان سپهبد، ارگبذ، ریاست امور قضایی (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۱۲۷ و ۱۶۵) و حضور در شورای سلطنتی به همراه موبدان را بر عهده داشتند. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۷۹) آزادان علاوه بر آنکه هسته اصلی سواره نظام بودند مشاغل ثابتی در

دربار داشتند. (کریستن سن، ۱۳۱۴: ۶۰) در دست داشتن پست های حساس و کلیدی نظامی مانند ارتشتاران سالار، سپاهبد، تیربذ، یشتیک بان سالار، اسواران سردار، پایگان سالار، مرزبان و ... به اقتدار سیاسی آنان می افزود. (لوکونین، ۱۳۷۵: ۱۰۶؛ کریستن سن، ۱۳۷۲: ۱۵۳-۱۵۴ و ۴۱۸-۴۲۲)

مهمترین شاخص اقتدار موبدان در درجه اول قدرت و اعتبار سیاسی آنان بود. علاوه بر نقش موبدان به عنوان وارثان مغان و حاملان دین (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸: ۱/۵۲) آنان در تأسیس دولت ساسانی دخالت داشتند. از این جهت در مسائل سیاسی مانند عزل و نصب و جانشینی شاهان (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۱۶ و ۸۱؛ پروکوپوس، ۱۳۳۸: ۱۰۶-۱۰۷؛ طبری، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳/۲) و ملازمت با شاهان در سفرها و جنگها و .. حضور داشتند.

آشنایی دبیران و دیوانیان با زبان های مختلف کشور (هانری ماسه، بی تا، ۱۹۱-۱۹۲) در دست داشتن اسناد و مکاتبات دولتی، ثبت و انشای فرمان های سلطنتی، مرتب کردن هزینه ها و اداره امور دولت، طبقه بندی مالیات ها، (دینوری، ۱۳۶۸: ۷۵) نگارش تصمیمات قضایی (Tafazzoli, 2000: 33) و حضور به همراه موبدان و ارتشتار سالار در انتخاب جانشین شاه از عوامل اقتدار سیاسی دبیران بود. (لوکونین، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۷۰)

منزلت و اعتبار اقتصادی

مهمترین امتیازات اقتصادی اشراف عصر ساسانی به خصوص واسپهران مالکیت اراضی وسیعی بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱) که از دو طریق یعنی اقطاع شاهان (همان، ۷۲؛ طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۲) و دیگر تحت الحمايه قرار دادن (الجباء) اراضی دهقانان جزء (به جهت نپرداختن مالیات) به دست آمده بود. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۷۵) آنان به همراه خاندان سلطنتی و شاه، اراضی کشور را تحت سیطره داشتند. معافیت های مالی (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۱)، برخورداری از کمک های نقدی دولت (مزارعی، ۱۳۴۸: ۱۱۸) از جمله عوامل اقتدار و امتیازات اقتصادی آنان بود. آزادان ریاست دهکده ها و نظارت بر امور رعایای خود را در املاکشان به هنگام صلح در اختیار داشتند. (کریستن سن، ۱۳۱۴: ۱۶۰) دهقانان جمع کنندگان مالیات، و پایه اصلی اقتصاد

دولت ساسانی و ستون فقرات ارتش بودند. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۶۸) افسران ارتش ساسانی نیز صاحبان املاک بزرگ بودند که در هنگام صلح به امور املاک خود رسیدگی می کردند. این قشر نظامی زمیندار بتدریج با زمینداران بزرگ متحد شدند، اما با دهقانان روابط چندان مناسبی نداشتند. بیشتر املاک آنان اقطاعی بود. (لو کونین، ۱۳۷۵: ۱۱۲) اعطای غنایم جنگی، هدایا، معافیت های مالی از سوی شاهان نیز به اقتدار نظامیان مدد می رساند. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۷۸)

از جمله امتیازات اقتصادی موبدان می توان به موارد زیر اشاره نمود: داشتن عواید آتشکده ها، موقوفات و خیرات شاهانی مانند خسرو انوشیروان و خسرو پرویز (ستون ۲: Gignoux, ۱۹۹۱) قرض دادن از خزانه معابد به شاهان، نظارت و سرپرستی بر جمع آوری مالیات ها (وندیداد، ۱۳۷۶: ۱۴۶۷-۱۴۶۸/۳) و ضیاع و عقاری که از راه جرائم دینی، صدقات و عشریه عایدشان می شد. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۱۲۴؛ بلعمی، ۱۳۵۳؛ ۹۱۷)

منزلت اجتماعی

از منظر اجتماعی اشراف به اعتبار اقتدار سیاسی و اقتصادی به القابی مانند مهتران، هزارپت، هزاربندک، مهشت و .. ملقب می شدند و وارث بسیاری از مناصب و مشاغل سیاسی، نظامی و حتی روحانی بودند. (کتیبه شاپور در کعبه زرتشت، ستون ۳۱، ۳۳ و ۳۰. Hening ۱۹۳۹؛ طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۸۸) حضور در شورای سلطنتی و تاج نهادن بر سر شاه هر چند افتخاری بود اما به اقتدار اجتماعی آنان می افزود. آزادان مناصبی مانند «اندرزیب و اسپوهران» را در اختیار داشتند. (دینوری، ۱۳۶۸: ۷۲) واسطه بودن دهقانان میان شاه و رعایا نیز به اقتدار اجتماعی آنان می افزود.

سپاهیان و نظامیان مانند اشراف و روحانیان از تحصیلات عالی برخوردار بودند و در مدارس نظامی تحصیل می کردند. (Tafazzoli, 1995, 297-302)

روحانیان نیز به لحاظ داشتن تحصیلات دینی و آموزش تعالیم مذهبی (کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت، ستون ۲۲ و ۲۷: Hening, ۱۹۳۹)، وجود آتشکده ها در سراسر کشور (کتیبه کریتر در کعبه زرتشت ستون ۲ و ۱۴: Gignoux, 1998) و حراست از آن ها توسط هیربدان (مسعودی، بی تا: ۱/۹۰) مشروعیت احکام، اشتغال به تفسیر اوستا، دخالت در امور دینی و امور روزمره

مردم، نشان دادن راه بهشت و پرهیز از دوزخ (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۴۸) و دخالت در کمیسیون های بازجویی و تعقیب مسیحیان (نولدکه، ۱۳۸۵: ۴۷۹) از اقتدار اجتماعی بالایی برخوردار بودند. دبیران و دیوانیان در آموزشگاه های مخصوص به فراگیری خوشنویسی، تندنویسی و... مشغول بودند که زبان گویای شاه و امانتداران و خدمتگزاران رعایا محسوب می شدند. آنان شغل طبابت را نیز در دست داشتند. (جهشیاری، ۱۴۰۸: ۳۶) اعتبار اجتماعی آنان تا اندازه ای بود که کفشگری در مقابل پذیرش فرزندش در سلک دبیران حاضر به پرداخت مخارج جنگ شاه ایران با روم شد. (فردوسی، ۱۳۶۹: ۱۹۲۵-۳/۱۹۲۸)

ب) اقشار متوسط

اعتبار سیاسی

بازرگانان از جمله اقشار متوسط شهری بودند که در پاره ای از تحولات سیاسی عصر ساسانی مانند پیوستن به بهرام چوبین دخالت داشتند (همان، ۱۳۶۹: ۲۰۱۲-۳/۲۰۱۳) در پاره ای از موارد از آنان جهت مأموریت های سیاسی استفاده می شد. از آنجایی که آنان در شهرها که پایگاه دولت ساسانی بود زندگی می کردند، غالباً از شاه، اشراف و زمینداران بزرگ حمایت می کردند. (فشاهی، ۱۳۵۴: ۴۴) اما به علت ایجاد شکاف میان دولت و ملت، آنان به بهرام چوبین پیوستند.

اعتبار اقتصادی

از نظر اقتصادی بازرگانان دارای حجه هایی به صورت مجتمع بودند که در رأس آن «رئیس التجار» قرار داشت. (پیکولوسکایا، ۱۳۷۷: ۳۱۵) آنان دارای اعتبار خاص اقتصادی بودند.^۱ پیشه وران مانند بازرگانان دارای اتحادیه صنفی بودند (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۲) که در رأس آن کروکید^۲ قرار داشت (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۳) که وظیفه او بازرسی از کارگاه های شهرهای مختلف بود. اصناف دارای اختیارات وسیعی نبودند که علت آن نظارت دیوانسالاری گسترده

۱. در وندیداد احکام مربوط به وام، قرض، ربا و حدود شرعی کار بازرگانان وجود دارد. (نک، وندیداد، ۱۳۷۶: ۴۴۳-۴۴۴/۱)

۲. عنوان سریانی، resammane، که در جانی معادل قاروگبد پهلوی و گیروک بد kirogbad یا qarug می باشد.

ساسانی بر مایحتاج و ارزاق مردم بود. اما رونق تجارت و اقتصاد شهری باعث مطلوبیت وضع اقتصادی آنان شد.

منزلت اجتماعی

بازرگانی و پیشه وری از نظر اجتماعی از فرومایه ترین مشاغل عصر ساسانی محسوب می‌شد. (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۷۷؛ دریایی، ۱۳۸۳: ۱۵۳) به این دلیل غالباً اقلیت های مذهبی به پیشه وری و بازرگانی روی می آوردند. اما سرانجام دولت ساسانی و نهاد دینی آنان را به عنوان گروه های بااهمیتی پذیرفتند (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۵) ظاهراً پیشه وران نه تنها در برخی از دهکده ها بلکه در کوی ها و محلات مشخصی از شهرها و راسته بازارها و یا دکان های ویژه به زندگی و کار خود مشغول بودند. (پیگولوسکایا، ۱۳۷۱: ۱۴۴) اسیران جنگی که در برخی صنایع مانند نساجی و بافت پارچه های ابریشمین مهارت داشتند، مانند رومیان باتوجه به منشأ زبانی یا مذهبی در محلات ویژه ای اسکان می یافتند که خود پاداشی بود برای دوری آنها از وطن. همچنین اعطای حق رفت و آمد افتخاری^۱ به بوسی اسیر رومی در عصر شاپور دوم و حق ازدواج آنان^۲ با دختران ایرانی مسیحی و احتمالاً زرتشتی از دیگر نشانه های منزلت اجتماعی پیشه وران و صنعتگران است. (ویسوفور، ۱۳۷۸: ۲۳۸)

ج) اقشار فرودست

کشاورزان

اعتبار سیاسی

با وجود آنکه کشاورزان بزرگترین قشر تولید کننده عصر ساسانی و آباد کنندگان مملکت تلقی می شدند (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸ق: ۱/۵۲) اما مجبور به انجام بیگاری بودند. در زمان حکومت شاهان مقتدر اوضاع کشاورزان مناسبتر بود. اما آنان در مسائل سیاسی کشور دخالتی نداشتند و به عبارتی فاقد اعتبار سیاسی بودند.

1. Cursus honorum

2. Conubium

اعتبار اقتصادی

از نظر اقتصادی به دلیل آنکه روابط تولید عصر ساسانی بر اساس سیستم مزارعه بود کشاورزان غالباً بر روی زمینهای اشراف و مالکان بزرگ کار می کردند و تنها سهمی از محصول را دریافت می کردند. (New man, 1932: 46-61) همچنین ملزم به پرداخت مالیات اراضی (خراگ) و سرانه (گزیت) بصورت نقدی و یا جنسی بودند. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۵۱)

منزلت اجتماعی

از نظر اجتماعی میان روستاییان و مردم شهری اختلافات فاحشی وجود داشت. آنان حتی بر اثر ازدواج با شهرنشینان (پیشه وران و بازرگانان) یا وجود کار، مجاز به مهاجرت به شهرها نبودند. (خسروی، ۱۳۵۵: ۳۴-۳۵) هر چند آنان بزرگترین توده مردم را تشکیل می دادند و از نظر قانون آزاد بودند، اما عملاً همچون بردگان وابسته به زمین با اراضی و روستاها فروخته می شدند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۷۳) با وجود آنکه در آیین زردشتی کشاورزی بسیار محترم بود و چند نسک از اوستا به خصوص هوسپارم و نکاذم به این موضوع اختصاص یافته است (دینکرد، ۱۳۸۱: فصل ۳۱، فقره، ۳۱-۳۲، ۳۴-۳۶ و فصل ۳۸، فقره- ۳۵) اما به طور کلی مملکت برای حمایت از روستاییان مقرراتی نداشت. (کریستن سن، ۱۳۱۴: ۶۲) همچنین آنان بهره‌ای از تحصیلات نداشتند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۴۱۱)

د) ناشهروندان

بسیاری از اشراف، لشگری بزرگ از اسیران داشتند که همگی عید به دنیا می آمدند. زیرا اشراف اجازه آزاد کردن آنان را نداشتند. (کریستن سن، ۱۳۱۴: ۱۰) اما حق کشتن آنان را داشتند. اما برخی از شاهان ساسانی مانند شاپور دوم (رضا، ۱۳۴۹: ۱۶) و خسرو انوشیروان برای رفاه حال اسرا و بویژه به منظور گسترش صنایع اقداماتی انجام دادند. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۷۰)

۴) اصلاحات خسرو انوشیروان

توزیع نابرابر امتیازات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در عصر ساسانی به ایجاد جامعه ای بسته منجر شد. نهضت های مانی و مزدک در واقع عکس العمل به نظام قشربندی محدودی بود که

به خصوص با تبلیغ مشروعیّت مرزبندی طبقاتی به عنوان عدالت اجتماعی از سوی روحانیان زردشتی به گسترش نابرابری های اجتماعی منجر شد. عواملی مانند اختلاف میان اشراف و عامه مردم، توزیع ناعادلانه ثروت، تهی بودن خزانه کشور، افزایش مالیات های اخذ شده از مردم جهت جنگ با هفتالیان، قحطی و خشکسالی شش ساله در عصر پیروز (۴۵۹-۴۸۴م) رها کردن مزارع توسط کشاورزان (بندهش، ۱۳۶۹: ۱۴۱) و شعارهای عدالت طلبانه مزدکیان از جمله «گرفتن از توانگران برای بینوایان» (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۹۳) باعث گرایش عمومی مردم به نهضت مزدک شد. علاوه بر آن دخالت فزاینده موبدان در امور سیاسی و جنگ قدرت میان اقشار حاکم، اجحافات مأموران دولتی نسبت به مردم و ... موجب شد تا قباد، شاه ساسانی (۴۸۹-۵۳۱) برای تجدید اقتدار شاهنشاه و مقابله نهایی با موبدان و اشراف از نهضت مزدکی (Pearson, 1975: 2/120) سود جسته و در نتیجه به او گرایش یافت. (همان، ۲/۹۲) حتی پیشه وران و صنعتگرانی که تعلق چندانی به آیین زرتشتی نداشتند و نجیبی هم که دل خوش از زرتشتیان نداشتند به مزدکیان پیوستند. (طیسی، ۱۳۵۰: ۲۱) اما غضب و ستم و طمع بر اموال، دارایی ها و زنان اقشار ممتاز جامعه (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۹۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۶۷) و دخالت نمودن بیش از حد مزدکیان در امور سیاسی (مانند تلاش برای سلطنت کاووس برادر انوشیروان)، نخوردن گوشت، روانداشتن خونریزی و ... موجب شد تا در اتحادیه ای از اشراف، زمینداران بزرگ، بازرگانان و پیشه وران (جهت یافتن بازار کار مناسب در زیر سایه اشرافیت) نظامیان (بیکار از جنگ) و روحانیان این نهضت سرکوب گردد. (طبری، ۱۳۷۸: ۹۳ و ۲/۹۵). هر چند این نهضت تلاش مهمی در فروریزی مرزهای طبقاتی به نفع رعایا بود، اما اجحاف نسبت به اشراف و بزرگان ساسانی باعث شد در میان آنان جایگاهی نیابد. با به سلطنت رسیدن خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م) باتکیه بر اشراف و بزرگان، قتل عام مزدکیان صورت گرفت و قدرت مطلقه شاهنشاه احیا شد. اما گرایش اکثریت مردم جامعه به مزدکیان به انوشیروان نشان داد که عامه مردم خواهان اصلاحات اساسی در مناسبات حاکم بر جامعه اند. بدین ترتیب وی در زمینه مالیاتی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و قضایی که در اصل تثبیت نظام حکومتی ساسانیان را به دنبال داشت، اصلاحات خود را عملی نمود. پیامد اصلی اصلاحات خسرو انوشیروان تغییر در بخشی از قشر بندی اجتماعی عصر ساسانی بود. چالمرز جانسون در

بررسی عوامل تغییر اجتماعی به غیرهماهنگ عمل کردن محیط و ارزشها توجه نموده است. (منوچهری، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۹۷) وی عدم تمایل نخبگان برای ایجاد تعادل میان محیط و ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه را عامل تسریع تغییر اجتماعی می‌داند (کوهن، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۲، ۲۰۰) از این جهت شاید بتوان یکی از دلایل ایجاد اصلاحات انوشیروان را تلاش وی برای ایجاد تعادل میان ارزش های حاکم بر جامعه و محیط اجتماعی و جلوگیری از تغییر سلطنت دانست. و اما اصلاحات او عبارت است از:

الف) اصلاحات مالیاتی

مهم ترین بخش از اصلاحات انوشیروان در جلب حمایت های مردمی و استحکام پایه های قدرت و سلطنت اصلاحات مالیاتی بود. در این دوران دو نوع مالیات اصلی یعنی خراگ (مالیات اراضی) و گزیت (مالیات سرانه) از مردم اخذ می شد. تا قبل از سلطنت انوشیروان این مالیاتها با توجه به عواملی مانند دوری و نزدیکی شهرها از مرکز حکومت (دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱) مقدار و ارزش نوع محصول، فراوانی آب، حاصلخیزی و آبگیری زمین (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۰)، البته به صورت متغیر از سه یک تا شش یک (مسعودی، بی تا: ۱) به شیوه مقاسمه^۱ (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱/۱۶۴)، به صورت جنسی، نقدی و انجام کارهای خدماتی وصول می شد. (طبری، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۲/۱۵۱)

گزیت (جزیه دوران اسلامی) نیز به صورت ثابت و یکباره از عموم مردم بیست الی پنجاه ساله به استثنای بزرگان، نظامیان، روحانیان و دبیران (همان، ۱۵۰؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱) و به عبارتی آنان که صاحب زمین نبودند اخذ می شد. (بلعمی، ۱۳۵۳: ۹۷۰-۹۷۱)

عواملی از جمله متغیر بودن میزان محصولات کشاورزی، متروک ماندن اراضی زیر کشت، عدم برداشت محصول رسیده توسط کشاورزان و در نتیجه فاسد شدن محصولات رسیده (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۱)، مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/۲۹۴) همدستی عمال مالیاتی با اشراف محلی در اخذ

۱. در روش مقاسمه عامل خراگ (خراج) قبل از چیدن محصول میزان آن را در خرمن ارزیابی و از قبل بر آن مالیات می‌بست. (طبری، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۲/۱۵۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱؛ مسعودی، بی تا: ۱/۳۵۰)

مالیات‌ها و کاهش میزان ارسالی مالیات وصولی به خزانه کشور باعث شد تا قباد به فکر اصلاح مالیاتی بیفتد اما عمرش کفاف نداد. لذا این اصلاح در زمان سلطنت پسرش خسرو انوشیروان عملی شد و نحوه مالیات‌گیری به روش مساحی^۱ تغییر کرد. مالیات سرانه یا گزیت نیز بر اساس تقسیم مردم نسبت به دارائی‌هایشان از دوازده درهم تا چهار درهم وصول می‌شد. مردگان، بینوایان و آفت زدگان از پرداخت آن معاف بودند، و اسامی آنان بایستی توسط قضات شهرها و ولایات جهت جلوگیری از اجحاف بر مردم اعلام می‌شد. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۵۲؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱) وی جهت برقراری عدالت نسبت به مردم دستور داد تا نسخه‌هایی از آیین نامه جدید مالیاتی را برای کارگزاران مالیاتی، قضات و داوران شهرها ارسال نمایند. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۵۲) کشاورزان مالیات اراضی (خراگ) را به صورت اقساط سه گانه و هر چهار ماه یک بار به دولت می‌پرداختند. (فردوسی، ۱۳۶۹: ۳/۱۷۵۲) انوشیروان اقدامات عمرانی دیگری از جمله ساخت و مرمت کاریزها، قنات‌ها، پل‌ها، جوی‌ها، شاهراه‌ها، و... را جهت رفاه حال رعایا و کشاورزان انجام داد. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۰۲)

ب) اصلاحات نظامی - سیاسی

قلع و قمع شورش‌های داخلی و جنگ‌های خارجی انوشیروان را بر آن داشت که به اصلاح امور نظامی بپردازد. قبل از وی نظامیان از طبقه آزادان بودند که با هزینه خود در خدمت اشراف بلند مرتبه بودند. از این جهت وابستگی آنان به شاه اندک بود. او برای ایجاد ارتشی منظم و مستقل تحت فرماندهی شاهنشاه و حکومت مرکزی از نجبای درجه دوم (اسواران) و کوچ نشینان بیگانه استفاده کرد. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۹۹؛ یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۱/۳۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/۳۶۷) خسرو با اعطای لوازم جنگی و ثبت اسامی نظامیان جدید و پرداخت مستمری برای هر یک بر اساس لیاقت و مرتبه آنان نیز اقدام کرد. (طبری، ۱۳۷۸ه، ۱۹۶۷م، ۲/۱۰۲، ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۴)

از دیگر اصلاحات نظامی انوشیروان تقسیم قلمرو ساسانی به چهار پادگوس یا کوست و تعیین چهار مرزبان و فرمانده مستقل تحت عنوان اسپهبد و در نتیجه براندازی مقام ایران سپاهبذ (فرمانده

۱. در روش مساحی مالیات بر اساس معیزي کردن مساحت اراضی برآورد می‌شد. (مسعودی، بی تا: ۱/۸۹)

کل نیروهای نظامی) بود. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۹۹، مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۹۶) برگزیدن مقام ریاست «عرض سپاه» از دیگر اقدامات انوشیروان بود که موظف به بازدید تمام افراد نظامی کشور در هر چهار ماه بود که طی آن هر نوع کمبود و کاستی در تجهیزات، اسلحه و مواجب سپاهیان را برطرف می کرد. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۹۹، دینوری، ۱۳۶۸: ۷۲، یعقوبی، ۱۴۱۳: ۱۶۵)

ج) اصلاحات اجتماعی و قضایی

به دنبال آشفته‌گی های ناشی از شورش مزدکیان خسروانوشیروان اصلاحاتی در زمینه اجتماعی و نهاد خانواده انجام داد. از جمله درباره ازدواج زنان ربوده شده توسط مزدکیان (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۰۱) فرزندان متولد شده آنان، فرزند خواندگی اطفال نجسای فوت شده (نولد که، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴) دادن مستمری به یتیمان و زنان بی شوهر خاندانهای اشرافی (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۰۲) ازدواج دختران اشراف با مردان همشأن و تأمین جهیزیه آنان از خزانه کشور و دادن اختیار به زنان پدرش که در دربار مانده و همشأن زنان انوشیروان باشند و یا از همپایگان خود شوهری اختیار کنند. (همان جا، مسکویه، ۱۳۶۶، ۱۹۸۷/م؛ ۱/۱۸۲)

از نظر قضایی تا قبل از سلطنت انوشیروان خیانت یک فرد به هر صورت که بود باعث هلاکتش می گشت (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۶۲-۶۳) به خصوص تعدیل حکم مجرمانی مانند مزدکیان به یک سال زندانی شدن و در صورت توبه کردن رهایی از جمله اصلاحات قضایی انوشیروان بود. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۰۲؛ ثعالی، ۱۳۶۸: ۳۹۳)

۵) تاثیر اصلاحات انوشیروان در قشر بندی اجتماعی

الف) تاثیر اصلاحات بر اقشار ممتاز جامعه

اصلاحات خسرو انوشیروان دارای ماهیتی بنیادین بود. مهمترین پیامد اقتصادی اصلاحات وی درباره اشراف، صدور فرمانی مبنی بر بازگرداندن املاک غصب شده آنان توسط مزدکیان بود. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۰۱). از سوی دیگر وی دستور داد تا پسران جوان اشراف را که اموالشان را در شورش مزدکیان از دست داده بودند توانگر نموده، سپس از آنان خواست تا با حضور در دربار

ساسانی از وجودشان در مناصب و امور دولتی استفاده نماید. (همان، ۲/۱۰۲) در واقع او قصد داشت با ایجاد دسته ای از اشراف درباری وابسته حکومت تمام رعایا در اسارت و بندگی او یکسان باشند (نولدکه، ۱۳۸۵: پاورقی ۱۹۴) مقام و رتبه این اشراف جدید بر اساس اجرای وظایف دولتی و انجام خدمت برای دربار تعیین می شد. لذا انوشیروان با این اقدام نه تنها به تضعیف پایه های قدرت اشراف کهن بلکه به تحکیم پایه های دولت و دربار ساسانی اقدام نمود. انوشیروان با اعطای عنوان شاهی به برخی از شهرب ها مانند خاقان جبل، فیلان شاه، طبرسران شاه، ایرانشاه، شروانشاه، (بلاذری، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۷۶) شهرب ها را در ردیف شهر داران قرار دارد. (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۴۹۴)

با انجام اصلاحات انوشیروان بار دیگر از قدرت واسپوهران که صاحب املاک و مقامات بلند پایه بودند کاسته شد. خسارت های ناشی از شورش مزدکیان برای واسپوهران موجب توجه انوشیروان به آنان شد. او علاوه بر تأمین خسارت های خاندان های ممتاز و آسیب دیده آنان را از پرداخت مالیات معاف کرد. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۵۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۷۱) به عبارت دیگر وی ضمن حمایت مالی از اشراف به کاهش اقتدار آنان پرداخت و این خود عاملی شد تا واسپوهران بعد از مرگ انوشیروان همواره با حکومت مرکزی و دربار جهت احیای قدرت از دست رفته خود دست و پنجه نرم کنند. با وجود این آنان اقتدار خود را تا پایان عصر ساسانی حفظ کردند. قارن والی خراسان و گرگان اجازه نشستن بر تخت زرین را یافت که منزلت وی تا دوران هرمز چهارم نیز حفظ شد. (همان، ۹۴) خاندان مهران نیز در عصر انوشیروان مناصب مهمی را در اختیار داشتند. (نولدکه، ۱۳۸۵: ۹۸۱)

بزرگان نیز در سلسله مراتب حکومتی صاحب مشاغل مهم مانند وزرگفر مذار، موبدان موبد، هیربد، دبیربد، اسپهدو... بودند. (کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت ستون ۳۱ و ۳۳، ۱۹۳۹: Hening) اما در دوران انوشیروان از قدرت و مکتشان کاسته شد. دهقانان که از فرو دست ترین گروه اشراف بودند پس از اصلاحات انوشیروان از قدرتمندترین حامیان حکومت وی شدند. این اقدام باعث شد تا از یک سو قدرت اشراف کهن محدود شود و از سوی دیگر کنترل و نظارت دهقانان از طریق جمع آوری مالیات ها بر توده مردم گسترده تر شود. دهقانان تا پایان دوران

ساسانیان موقعیت خود را حفظ نمودند. چنان که ریدک خوش آرزو، غلام خسرو پرویز از فرزندان دهقانان و ویژه خدمت به وی بود. (یعقوبی، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۷۷؛ ثعالی، ۱۳۶۸: ۴۴۷) پس از ورود اسلام به ایران نیز به دلیل نیاز اعراب در جمع آوری مالیات ها و اداره ایران، دهقانان با اعراب مصالحه کردند و در جایگاه خود ابقا شدند. (بلاذری، ۱۴۰۷ق: ۲۶۱-۲۷۶)

اصلاحات خسروانوشیروان باعث کاهش قدرت روحانیان زرتشتی و موبدان شد. چنان که بر اساس مندرجات کتاب پهلوی، سورسخون مقام داذوری داذوران و مغان اندرزیذ در پایین ترین حد فهرست مناصب درباری ذکر شده است. (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۱۷۱) به عبارت دیگر ذکر نام موبد موبدان پس از چند مقام غیر روحانی حاکی از افول جایگاه اولیه موبدان است.

اصلاحات اداری و مالی انوشیروان به خصوص در راستای رسیدگی و نظارت دقیق تر بر امور دیوان ها، درآمدها و مالیات ها باعث شد تا دیوانیان و دبیران نسبت به دوران قبل مورد توجه خاص قرار گیرند. (جهشیاری، ۱۴۰۸ق: ۱۲-۱۳) تا جایی که در فهرست هیأت وزیران و مقامات عصر انوشیروان وزراء در رأس مناصب و مشاغل بالای جامعه ذکر شده اند. این موضوع به ایجاد مشاغل جدید اداری و دیوانی از سوی وزر گفرمذار و واگذاری آن به صاحبان جدید گردید. (کریستین سن، ۱۳۷۲: ۵۴۷) حتی انوشیروان یکی از دبیران به نام بابک پسر پیروان را که به شرف و مروت و کفایت نامور بود به ریاست دیوان سپاه منصوب نمود. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۵۲) پس از انوشیروان نقش و اهمیت دبیران تا آن حد افزایش یافت که برخی از آنان مانند حاکم تیسفون از دبیر بندی به حاکمیت ولایات منصوب شدند، لذا به نظر می رسد برخی از دبیران عصر ساسانی فرمانروایان ایالات مرزی بودند. (Tafazzoli, 2000, 22-23)

به دنبال اصلاحات خسرو انوشیروان بار دیگر از منزلت اجتماعی ندیمان کاسته شد. وی وضعیت این قشر را به حال و وضع نخست برگرداند. (جاحظ، ۱۳۴۳: ۷۰، مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۶۹) اما در دوران سلطنت خسرو پرویز نه تنها هنر موسیقی به اوج خود رسید (بویس، ۱۳۶۸: ۷۰-۷۱) بلکه بار دیگر خنیاگران و موسیقیدانانی مانند باربد در قشر بالای جامعه قرار گرفتند.

علاوه بر شعرای ایرانی پاره ای از شعرای عرب مانند عشی و لقیط در دربار انوشیروان حضور داشتند. (همایی، بی تا: ۱۸۲). آنان همواره در مراسم شادی و جشن ها شرکت می کردند. چنان که انوشیروان دستور داد تا شعرا به افتخار آوردن کتاب کلیله و دمنه بوسیله برزویه طبیب جشنی ترتیب داده و در وصف آن روز شعری بسرایند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۹: ۱۱)

ب) تأثیر اصلاحات بر اقشار متوسط

بازرگانان نیز به دنبال صلح انوشیروان با ژوستی نین پادشاه روم (۵۶۱م) و اصلاحات وی حق آن را داشتند که با تجار رومی به تجارت کالای دلخواه بپردازند به شرط آنکه کالاها از دوا بر گمرکی عبور کند. همچنین طرفین می توانستند در خاک امپراطوری مقابل نمایندگی رسمی داشته و از اسبان چپار استفاده کنند. بازرگانان با معافیت از پرداخت عوارض می توانستند کالاهای خود را وارد خاک یکدیگر کنند. (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۱۴۶) این اقدام انوشیروان به رشد تجارت خارجی ایران و ارتقای بازرگانان نسبت به دوران قبل انجامید. از آنجایی که پیشه وران تنها ملزم به پرداخت مالیات سرانه بودند نسبت به کشاورزان از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار بودند. این موضوع در کنار روی آوری ملاکان و اشراف به شهرها و فروش زمین ها به پیشه وران و بازرگانان باعث شد تا خسرو انوشیروان به دنبال اصلاحات خود این قشر را محدود نماید تا از نظر پایگاه اجتماعی در ردیف اقشار فرو دست محسوب شوند و همچنین قدرت اقتصادی آنان منجر به ایجاد تحولات اجتماعی نگردد.

ج) تأثیر اصلاحات بر اقشار فرودست

انوشیروان علت اصلی اصلاحات مالیاتی را سبک کردن بار خراج و کم کردن رنج و ستم رعایا ذکر کرده است (مسکویه، ۱۳۶۶: ۱/۹۰) اما طبری عامل اصلی آن را از قول انوشیروان فراهم شدن مالی در خزانه جهت جلوگیری از تجاوز کشورهای دیگر به مرزها ذکر کرده است. (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۰) در هر صورت به دنبال این اصلاحات تا حدی وضعیت کشاورزان و روستاییان بهبود یافت، زیرا بخشش های مالیاتی در اثر وقوع بلایای طبیعی و خشکسالی (همان، ۲/۱۰۲)

اصلاح خراج، تشویق کشاورزان در آباد کردن اراضی، قرار دادن تخم بذر به آنان (فردوسی، ۱۳۶۹: ۸/۲۳۱۸) کندن نهرها و کاریزها، توسعه شبکه آبرسانی، خشک کردن باتلاقها، تجدید بنای روستاها، قرار دادن اراضی شاهی به افراد بی بضاعت، پرداخت مبالغی از خزانه دولت به آنها و پرداخت وام به کشاورزان نیازمند (ثعالی، ۱۳۶۸: ۳۹۴) رسم به مظالم نشستن شاه و دادن بار عام در مراسم نوروز و مهرگان، مدارا کردن با رعایا در نحوه پرداخت مالیات (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۹۴) از جمله پیامدهای اصلاحات مالی انوشیروان برای کشاورزان بود. با وجود این به نظر می رسد اصلاحات مالی و اقتصادی انوشیروان بیشتر جهت جلوگیری شورش عامه و عدم پیوستن آنها به شورش های اجتماعی - مذهبی (مانند مزدک) بود و حکومت در اکثر مواقع با استفاده از قوه قهریه مالیات را از رعایا اخذ می کرد (نامه تنسر، ۱۳۴۵: ۱۷۱) در نتیجه نابسامانی اوضاع کشاورزی و اقتصادی از عوامل سقوط ساسانیان گردید.

به دنبال اصلاحات خسرو انوشیروان و ساخته شدن شهر انطاکیه و اسکان اسرای جنگی در آن (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۰۲؛ یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۱/۶۴) تا حدی وسایل رفاه آنان فراهم شد و بتدریج آنان خود را رعایای شاهنشاه نامیدند. (توقیعات کسری، ۱۳۳۴: ۱۲۶؛ فردوسی، ۱۳۶۹: ۳/۱۹۰۵) انوشیروان برای رفاه حال اسیران رومی که در ساختن یک دژ دفاعی مشغول به کار بودند اقداماتی انجام داد. (طبری، ۱۳۷۸ق: ۲/۱۷۰) و جمعی از آنان را در مقابل فدیة به روم بازگرداند و دستور داد که کودکان آنان را مانند امانت به مادرانشان برسانند. (امام شوشتری، ۱۳۵۰: ۱۸۳) از سوی دیگر انوشیروان برای اسیرانی که از انطاکیه به رومیه آورد مقرری تعیین کرد و یکی از نصاری اهواز را به نام براز، رئیس صنعتگران رومیه کرد تا آنان به سبب همکیشی با براز، انس گیرند. (طبری، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۲/۱۵۰)

نتیجه

همانگونه که در مبحث نظام قشربندی عصر ساسانی ذکر شد ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه عصر ساسانی به تداوم نابرابریهای اجتماعی عصر ساسانی منجر شد، لذا پیوستن اقشار مختلف عصر ساسانی به نهضت مزدک به عنوان نوعی اعتراض به ارزشها و هنجارهای اجتماعی

حاکم بر جامعه از جمله باورهای ناشی از آیین زرتشتی و دید منفی زرتشتیان و موبدان نسبت به صنعتگران و پیشه‌وران درباره آلودن عناصر مقدس مانند آب و آتش و ... بود. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). می‌توان از یک جهت اصلاحات خسرو انوشیروان را پیامد غیرهماهنگ عمل کردن محیط و ارزش‌ها دانست و انوشیروان را از نخبگانی دانست که برای ایجاد هماهنگی میان محیط و ارزش‌ها و جلوگیری از تغییر اجتماعی (تغییر سلطنت) و در راستای ایجاد تعادل در ساختارهای جامعه اصطلاحات خود را عملی نمود.

از سوی دیگر اصلاحات خسرو انوشیروان منجر به بروز تعارضات ارزشی، محیطی و هنجاری در عصر ساسانی گردید که اقشار بالای جامعه از جمله اشراف، نظامیان، موبدان، و دهقانان را تحت تأثیر قرار داد. این تعارضات برای اشراف کهن ایرانی و زمینداران بزرگ جنبه منفی داشت. زیرا با تجمع پسران جوان خاندانهای اشرافی در دربار و گماردن آنان به مناصب حکومتی اقتدار سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، اشراف کهن و واسپهران افول نمود. از سوی دیگر این تعارضات برای بخشی از نظامیان از جمله اسواران و آزادان جنبه مثبت داشت. این قشر بتدریج از طریق خدمات نظامی دارای پایگاه اقتصادی شدند. از سوی دیگر اصلاحات و تدابیر انوشیروان باعث شد تا از میان این دو گروه دسته خاص نظامی وابسته به شاه ایجاد شود که خود عامل دیگری در جهت تضعیف اشرافیت کهن بود.

از میان برداشتن مقام ایران سپاهبد و تقسیم قلمرو ساسانی به چهار پادگوس هر چند از تمرکز قدرت فردی ممانعت می‌کرد اما خود عاملی جهت شورش و استقلال نواحی مرزی بود. از سوی دیگر این موضوع باعث کاهش نیروی نظامی در داخل کشور و تجمع آن در نواحی مرزی بود و از این رو امنیت مرکز سیاسی کشور در خطر تهاجمات داخلی و خارجی بود. با وجود این، اصلاحات انوشیروان باعث شد تا حداقل در زمان سلطنت او گرایش‌های گریز از مرکز حکام و بزرگان محلی کاهش یابد. در واقع وی را می‌توان از جمله نخبگان و بدعت‌گزارانی دانست که در قالب اصلاحات خود نه تنها به تثبیت اقتدار شاه و دربار دست زد بلکه تعارضات ارزشی محیطی و هنجاری را در جامعه ساسانی و در میان اقشار بالای جامعه ایجاد کرد. زیرا ارتقای اسواران و آزادان باعث ایجاد چالش‌ها و تعارضاتی در امپراطوری ساسانی شد که در زمان

جانشینان انوشیروان بروز نمود. چنانکه به سلطنت رسیدن بهرام چوبین و شورش های بستام^۱ و شهر براز نمودی از تعارضات اشراف با حکومت و شورش انوشه زاد نماد تعارض در میان خاندان سلطنتی است.

دهقانان نیز که از پایین ترین اقشار اشراف محسوب می شدند، در نتیجه اصلاحات انوشیروان و به جهت تضعیف هر چه بیشتر اشراف کهن ارتقا یافتند و به تکیه گاه اصلی اقتصادی دولت ساسانی مبدل شدند.

در نتیجه اصلاحات انوشیروان باعث شد تا بیشترین تعارضات ارزشی، محیطی و هنجاری در میان قشر بالای جامعه به وقوع بپیوندد که برای اشراف درجه دوم و پایین تر از آن مانند دهقانان، اسواران و آزادان تأثیر مثبت داشت. اما سرانجام از زمان حکومت هرمز چهارم بار دیگر اشراف بلند مرتبه و موبدان و نظامیان کهن در راستای قدرت پیشین و جایگاه اولیه خود اقدام کردند. با وجود این دهقانان تا پایان عصر ساسانی و حتی تا دوران بعد از اسلام نیز جایگاه خود را حفظ کردند. اما اصلاحات خسرو انوشیروان بیشتر به سود دولت بود تا اقشار پایین و فرودست جامعه، زیرا در وضعیت اقشار فرودست از نظر قشر بندی اجتماعی تغییر محسوسی ایجاد نشد.

شاید بتوان علت شکست اصلاحات انوشیروان را که از بالای جامعه صورت گرفت، ماهیت استبدادی نظام حکومتی و تأکید آیین زردشتی در حفظ اقشار اجتماعی دانست که در نتیجه ورود اعراب مسلمان به ایران، عامه مردم به امید برقراری عدالت و ایجاد اصلاحات اساسی به آن پیوستند و در نتیجه سقوط ساسانیان قطعی شد. بدین ترتیب اصلاحات خسرو انوشیروان منجر به دگرگونی در تعادل و به عبارتی جابجایی افقی در جایگاه اقشار بالای جامعه گردید. زیرا اسواران، آزادان و دهقانان را از پایین ترین مرتبه جایگاه اشراف به بلندترین آن ارتقا داد.

لذا اصلاحات وی به ایجاد یک تغییر ساختی و یا تحریک عمودی در نظام قشر بندی اجتماعی ایران منجر نشد و سلسله مراتب قشر بندی اجتماعی ایران تا ورود اسلام به ایران به همان صورت اولیه باقی ماند. به عبارت دیگر محدودیت اصلاحات خسرو انوشیروان و عدم نفوذ آن در لایه های

۱. چنانکه فردوسی درباره پیوستن مردم به بستام می نویسد:

به هر سوی که بیکار مردم بدند / به نانی همه بنده او شدند (فردوسی، ۱۳۶۹: ۴)

زیرین اجتماعی باعث شد تا ساختار کلی نظام قشر بندی ایران ثابت بماند و تنها سلسله مراتب درونی اقشار بالای جامعه تحرک افقی داشته باشد و سرانجام فرضیات رقیب این مقاله به دلیل آن که درباره اصلاحات انوشیروان نظریات قطعی ارائه داده‌اند، قابل پذیرش نیستند.

منابع و مآخذ

آذر فرنیغ پسر فرخزاد و آذر باد پسر امید (۱۳۸۱). کتاب سوم دینکرد، ترجمه فریدون فضیلت. تهران، فرهنگ دهخدا. چاپ اول.

آلتهایم، فرانتس، (۱۳۴۲) *آسیا در کشمکش با اروپا*، ترجمه منشی زاده، تهران، ابن سینا. این بلخی، (۱۳۴۳) *فارسانه*، به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز، اتحادیه مطبوعاتی فارس. ابن قتیبه، الدینوری، ابومحمد عبدالله ابن مسلم، (۱۳۴۳ هـ / ۱۹۲۵ م) *عیون الاخبار*، المجلد اول، بیروت، بی نا.

اشرف، احمد، (۱۳۴۶) *نظام فتودالی یا آسیایی*، تهران، نشر جهان نو، جلد ۲۲ ش ۱۲-۵. اشرف، احمد، (۱۳۶۰) «نگرش در تحول شالوده های نظام طبقاتی از دوره ساسانی به دوره اسلامی» *مجله آرش*، تهران، دوره پنجم، ش ۴. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۹) *مجموعه مقالات، گردآوری و تدوین محمد دبیر سیاقی*، تهران، دنیای کتاب.

امام شوشتری، سید محمدعلی، (۱۳۵۰) *تاریخ شهریار در شاهنشاهی ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.

اینوستراتسفس (۱۳۴۸) *مطالعاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران، بنگاه ترجمه نشر کتاب،

بلعمی، (۱۳۴۹) *تاریخ بلعمی*: به تصحیح محمد تقی بهار به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، کتابفروشی زوار.

البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م) *فتوح البلدان*. حقه و شرح عبدالله انیس الطباع، بیروت: مکتب المعارف

بند هشر، (۱۳۶۹). گزارنده مهرداد بهار، تهران، توس.

بویس، مری، (۱۳۶۸) *دو گفتار درباره خنیاگران و موسیقی ایران*، ترجمه بهزاد باشی، تهران، آگاه.

- بهار، محمد تقی، (۱۳۴۲) سبک شناسی یا تطور شعر فارسی، بخش یکم، دفتر چهارم به کوشش علی نقی محمودی بختیاری، تهران، علمی.
- پروکویوس، (۱۳۳۸) جنگ های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیکو لوسکایا و دیگران، (۱۳۴۹) تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، تهران، دانشگاه تهران.
- پیکولوسکایا، نینا، (۱۳۷۷) شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، علمی فرهنگی.
- توقیعات کسری انوشیروان، (۱۳۳۴) ترجمه محمد جلال الدین طباطبائی زواری، به اهتمام حاج حسین نخجوانی، تبریز، مطبعه شفق.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸) تاریخ ثعالبی (مشهور به غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم)، ترجمه محمد فضائلی، تهران، نشر نقره.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، (۱۳۴۳) التاج، ترجمه محمد خلیلی، تهران، ابن سینا.
- الجهشیاری، ابن عبدالله محمد بن عبدوس، (۱۴۰۸هـ، ۱۹۸۸م). الوزراء و الکتاب. قدم له الدكتور حسن الذین. بیروت: دارالفکر الحدیث.
- خسروی، خسرو، (۱۳۵۵) نظام های بهره برداری زمین در ایران، تهران، شبگیر.
- خسروی، خسرو، (۱۳۵۹) مزدک، تهران، دنیای نو.
- الخوازمی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف، (۱۴۰۴ هـ / ۱۹۸۴ م): مفاتیح العلوم: حقیقه و قدم له ابراهیم الایاری، بیروت: الکتاب العربی الطبعة اولی.
- دریانی، تورج، (۱۳۸۴) شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۰) «مدافع درویشان و داور»، یادنامه احمد تفصلی، تهران، بی نا.
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۶۸) اخبار الطوال، تحقیق عبدالعظیم عامر، مراجعه جمال الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
- رضا، عنایت الله، (۱۳۴۹) «سخنی کوتاه پیرامون اوضاع اجتماعی اقتصادی ایران در روزگار ساسانیان»، مجله بررسی های تاریخی، تهران، سال ۵، ش ۵.
- رضا، عنایت الله، (۱۳۶۵) ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، علمی فرهنگی.
- روشه، گئی، (۱۳۶۶) تغییرات اجتماعی، ترجمه دکتر منصور وثوق، تهران، نشرنی.

- زینیو، فیلیپ، (۱۳۸۲) *اردویرافنامه*، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، چاپ دوم.
- سامی، علی، (۱۳۴۲) *تمدن ساسانی*، ج ۲، شیراز، دانشکده ادبیات شیراز.
- شایست نی شایست، (۱۳۶۹) ترجمه کتابون مزداپور، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- الطبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۸هـ / ۱۹۶۷م) *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالثرات، الطبع الثانيه.
- طیبی، حشمت اله، (۱۳۵۰) «سیر طبقات اجتماعی و ویژگی های خانواده در ایران قدیم»، تهران: مجله بررسی های تاریخی، سال ۶، ش ۶
- عهد اردشیر (اندرزنامه و سخنان اردشیر بابکان)، (۱۳۴۸) به کوشش احسان عباس، ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران، انجمن آثار ملی.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹) *شاهنامه*، به اهتمام ژول مول، تهران، کتاب های جیبی، چاپ چهارم.
- فشاهی، محمد رضا، (۱۳۵۴) *از گاتها تا مشروطیت*، گزارشی کوتاه از تحولات فکری-اجتماعی در جامعه فئودال ایران، تهران، گوتنبرگ.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۲) *تاریخ اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمد رضا نفیسی، کامییز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- کاتوزیان، محمد علی، (همایون) (۱۳۷۲) *استبداد، دموکراسی و نهضت ملی*، تهران، نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمد علی، (همایون) (۱۳۷۵) *چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد*، تهران، نشر مرکز چاپ دوم.
- کلیما، اوتاکر، (۱۳۵۹) *تاریخ جنبش مزدکیان*، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، تهران، توس.
- کارنامه اردشیر بابکان، (۱۳۲۹) به اهتمام محمد جواد مشکور، تهران، چاپخانه دانش.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۱۴) *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهشاهی ساسانی*، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، کمیسیون معارف.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۷۲) *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ هشتم.
- کوهن، آلون استانفورد، (۱۳۸۱) *ثوری های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، قومس.

- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، (۱۳۶۳) تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی جیبی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب.
- گزیده سروده‌های ریگ ود، (۱۳۴۸) ترجمه محمد رضا جلالی، جلد اول، تهران، تابان.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۱) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، غزال.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۱) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگور ویچ، (۱۳۷۵) تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، علمی- فرهنگی، چاپ نهم.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۲)، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات.
- ماسه، هانری، (بی تا) «تاسیسات زمان ساسانی» تمدن ایرانی، ترجمه جواد محیی، تهران، علمی- فرهنگی.
- مزارعی، عدنان. (۱۳۴۸) تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران از آغاز تا صفویه، تهران، مبارز.
- المسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۴۰۹ هـ) مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره، طبع الثانی.
- المسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (بی تا) التنبیه و الاشراف. اسماعیل الصاوی. قاهره: دارالصاوی.
- مسکویه، ابوعلی، (۱۳۶۶ ش ۱۹۸۷ م) تجارب الامم: حقه و قدم له الدکتور ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، طبع الثانیه.
- مندراس، هانری؛ گورویچ، ژرژ، (۲۵۳۶) مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- منظومه درخت آسوریک، (۱۳۴۶) به اهتمام ماهیار نوایی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- منوچهری، عباس، (۱۳۸۰)، نظریه‌های انقلاب، چاپ اول، تهران، سمت، چاپ اول.
- مینوی خرد، (۱۳۶۴) ترجمه احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران، توس.
- نامه تنسره گشنسب، (۱۳۵۴) به تصحیح مجتبی مینوی با همکاری محمد اسماعیل رضوانی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.
- نولدکه، تئودور، (۱۳۸۵) تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، انجمن آثار ملی.
- ویسهوفر، یوزف، (۱۳۷۸) ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.

- وبر، مارکس، (۱۳۷۴) *اقتصاد و جامعه*، ترجمه دکتر عباس منوچهری، دکتر مهرداد ترابی نژاد، دکتر مصطفی عماد زاده، چاپ اول، تهران، مولی.
- وبر، مارکس، (۱۳۸۲) *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.
- و نبداد*، (۱۳۷۶) ترجمه هاشم رضی، چاپ اول، تهران، نشر فکر روز.
- همایی، جلال الدین، (بی تا) *تاریخ ادبیات ایران*، چاپ سوم، تهران، فروغی.
- هوار، کلیمان، (۱۳۷۵) *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- یار شاطر، احسان، (۱۳۷۷) «نهادهای سیاسی، اجتماعی، اداری، مالیات و داد و ستد»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، قسمت ۲، ترجمه حسن انوشه، تهران، دنیای کتاب.
- سینا، (۱۳۴۰) بخش اول، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود، چاپ دوم، تهران، ابن سینا.
- سینا، (۱۳۸۰) بخش دوم، تألیف و تفسیر ابراهیم پور داوود، تهران: اساطیر.
- الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. (۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م)، *تاریخ الیعقوبی*، تحقیق عبدالامیر مهنا، لبنان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

Frye, R.N (1963) "The heritage of Parsia", Newyork , No.9.

Gignoux, P. H. (1991) "Les quarter inscription de Mage Kirdir" Paris.

Humbach H. & Oskjaervo, P. (1983). "The sasanian inscription of Paikuli", Wiesbaden, III/1-2, Wiesbaden.

Hening, W. B. (1993) "The Great Inscription of "sapur", Bsos, 9.

Herzfeld, E (1924) "*Paikuli, I Monument and inscription of Early History of The sasanian Empire*", Berlin.

(1979) "Matikan Hazad Datastan" or the Digest of a Thouzand points of law, Translated by S.J. Bulsara. Published, Hoshang, T. Anklesaria

Pearson, J.D. (1975). "Abibliogra phy of pre - Islamic Persia" studies series General Editor E. yarshater Number2, London. Mansell.

Newman. J (1932). "Tha agricultural life of the Jews in Babylonia"

Nyberg, H.S. (1964). "A manual of Pahlavi", Wiesbaden, vol. I.

Schochpol, Theda, (1984), "Emerging agendas and Recurrent stragies in historical sociology", In T.schochpol(ed) vision and metod in historical sociology"; Cambridge University Press.

Tafazzol, A , (2000) "Li,Sasunian Society", Ehsan Yar shatter distinguished Lecture Series Bibliothca Persica Press, New York.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

